



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



المراد
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

جبر و تفویض

از دیدگاه

امام صادق علیه السلام

سید جعفر حسینی امینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جبر و تفویض از دیدگاه امام صادق علیه السلام

نویسنده:

جعفر حسینی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جبر و تفویض از دیدگاه امام صادق (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۱۲	مقام علمی امام صادق
۱۷	التزام عملی به احکام الهی
۲۵	درباره مرکز

نویسنده: سید جعفر حسینی امینی

ناشر: سید جعفر حسینی امینی

مقدمه

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى اهل بيتى ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً و انهما لنيفترقا حتى يردا على الحوض» من میان شما دو امانت (دو حجت) بسیار با اهمیت می گذارم، کتاب خدا، و عترت من که اهل بیت (علیهم السلام) منند، مادامی که به این دو امانت تمسک کنید (پیروی نمائید) گمراه نخواهید گشت و این دو امانت از یکدیگر جدا نخواهند شد تا روز قیامت که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. در بامداد طلوع مکتب حیات بخش اسلام، از خورشید فروزان رسالت عظمای خاتم رسولان (صلی الله علیه و آله) دو نور بسیار درخشان که به یک کانون پیوسته بودند در صفحه تاریخ بشریت تابیدن گرفتند یکی از آن دو کتاب الله و دومی عترت طیب و طاهر آن حضرت بود پویندگان راه حقیقت و جویندگان طریق کمال و سعادت که از اسلام اطلاع لازم و کافی دارند، به خوبی از سه حقیقت ذیل آگاهند: حقیقت یکم: اینکه پس از پیامبر عظیم الشأن اسلام، امیرالمؤمنین و سیدالوصیین علی بن ابیطالب (علیه السلام)، تجسمی است از قرآن مجید آن کتاب الهی که خاتم و جامع همه کتب آسمانی است. اینکه «امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قرآن ناطق و وجودش تبلوری از آن کتاب آسمانی است» از منابع معتبر اسلامی برآمده که همانند شعاری بس مقدس بر چهره قرون و اعصار می درخشد. حقیقت دوم: اینکه روایات و احادیثی متنوع در منابع اولیه اسلام با کمال وضوح اثبات می کند که علی

(علیه السلام) آن بزرگ بزرگان و آن یگانه نسخه انسان کامل که پس از وجود نازنین محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله) نظیر او به عرصه هستی گام نگذاشته است، با رسولان الهی در امتیازاتی که خداوند سبحان به آنان عطا فرموده است مساوی بوده و تجلی گاه نمونه همه امتیازات والای آنان می باشد. ملا علی قوشجی که بی شک یکی از برجسته ترین علمای اهل سنت است در شرح خود بر کتاب «تجرید الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی (قدس سره) در صفحه ۳۸۸ از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) حدیثی را چنین نقل کرده است: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «من اراد ان ينظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی تقواه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی هیئته و الی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی بن ابیطالب (علیه السلام)». «هر کس بخواهد به آدم در عملش و به نوح در تقوایش و به ابراهیم در حلمش و به موسی در هیئتش و به عیسی در عبادتش بنگرد به علی بن ابیطالب (علیه السلام) نگاه کند». حقیقت سوم: اینکه ائمه معصومین اثناعشر (علیهم السلام) «کلهم نورٌ واحد» می باشند و سخنان آنان نشأت گرفته از یک سرچشمه است. و در حدیث ثقلین همگی آنان عدل و همسنگ و همپرازان قرآن مجید قرار گرفته اند. و در روایات معتبر به این معنی تصریح شده است از جمله: ۱ مرحوم کلینی در اصول کافی به اسناد خود از جمعی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که گفتند از آن حضرت شنیدیم می فرمود: گفتار و حدیث من گفتار

و حدیث پدرم است، و گفتار پدرم گفتار جدم و گفتار جدم گفتار حسین است و گفتار حسین گفتار حسن است و گفتار حسن گفتار امیرالمؤمنین است و گفتار امیرالمؤمنین گفتار رسول خدا است و گفتار رسول الله (صلی الله علیه و آله) قول الله عز و جل می باشد. قالوا: سمعنا ابا عبد الله (علیه السلام) يقول: حدیثی حدیث ابی، و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله، و حدیث رسول الله (صلی الله علیه و آله) قول الله عز و جل. ۲ در حدیث دیگری از ابوبصیر روایت می کند که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم آیا حدیثی را که از شما می شنوم آن را از پدرت نقل کنم؟ و یا آنچه را که از پدرت شنیده ام آن را از شما نقل نمایم؟ فرمود: یکسان است ولی اگر احادیث را از پدرم نقل کنی برای من محبوبتر است. ۳ و نیز آن حضرت به جمیل فرمود: آنچه را از من شنیدی آن را از پدرم روایت کن. ۴ و همچنین در نامه امام صادق (علیه السلام) به اصحاب و یاران خود آمده است: «... ای جماعتی که خدا حافظ آنان و نگهبان کارشان است بر شما باد به پیروی از فرموده ها و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و گفته ها و سنت ائمه هدی از اهل بیت پیغمبر، پس همانا کسی که پیرو آنان باشد هدایت یافته و کسانی که از آنان روگردان باشند گمراهند زیرا اهل بیت (علیهم السلام) کسانی هستند که خداوند

فرمان داده از آنان اطاعت شود و ولایت و رهبری آنان را بر مردم فرض و واجب گردانیده است...» روی الکلبینی (قدس سره) باسناده عن السراج قال: خرجت هذه الرسالة من ابي عبدالله (عليه السلام) الى اصحابه: ايها العصابة الحافظ الله لهم امرهم، عليكم بآثار رسول الله (صلى الله عليه وآله) و سنته و آثار الائمة الهداه من اهل بيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) من بعده و سنتهم فانه من اخذ بذلك فقد اهتدى و من ترك ذلك و رغب عنه ضل لانهم هم الذين امر الله بطاعتهم و ولايتهم...» ۵ شيخ مفيد (قدس سره) از امام باقر (عليه السلام) روايت می کند که از آن حضرت سؤال شد: هنگامی که شما حدیثی را بدون ذکر سند بیان می فرمائید سند شما چیست؟ فرمود: اگر من حدیثی را بازگو کنم و سند آن را بیان ننمایم پس سند من در آن حدیث: پدرم از جدم (حسین بن علی) و او از پدرش (علی بن ابی طالب) و او از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) از جبرئیل از خدای عز و جل می باشد. قال الشيخ المفيد (قدس سره): وروى عنه (عليه السلام) انه سُئل عن الحديث يرسله ولا يسنده فقال: إذا حدثت الحديث فلم اسنده فسندی فيه أبى عن جدی عن ابيه عن جده رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن جبرئيل (عليه السلام) عن الله عز و جل نتیجه بسیار با اهمیتی که از بیان این سه حقیقت می گیریم این است که: اولاً: سخنان اهل بیت (عليهم السلام) بازگو کننده حقایق قرآن و تفسیر و توجیه کننده آن کتاب آسمانی است، و از زبان

اشخاصی صادر شده است که نفوسشان تجلی گاه امتیازات همه پیامبران و رسولان الهی بوده است. ثانیاً: ابدیت سخنان و فرموده های اهل بیت عصمت و طهارت است که بیان کننده رسالت انبیاء و حقایق قرآن کریم است. با نظر به این دو نتیجه این واقعیت به خوبی روشن و آشکار خواهد شد که بدون شناخت اهل بیت (علیهم السلام) و آگاهی از ابعاد متنوع فرموده های آنان، تحصیل معارف حقیقی الهی و عمل به آن یا امکانپذیر نیست و یا نتیجه ای جز اطلاعی ناقص و محدود نخواهد داشت. بنابراین بر تمام مسلمانان لازم و ضروری است که تفسیر کلام وحی و کتاب الله (قرآن کریم) را در سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (گفتار کردار و تقریر آن حضرت) و اهل بیت معصومش (علیهم السلام) جستجو کنند و در عرضه سنت نبوی و تبیین مقام عالی و درجات علمی و عملی و دیگر ویژگیهای این بزرگواران نهایت تلاش و کوشش خود را مبذول دارند، زیرا مردم در صورتی به تفسیر صحیح حقائق نهفته قرآن کریم آن «ثقل اکبر» خواهند رسید که شناخت کافی نسبت به اهل بیت معصومین (علیهم السلام) آن «ثقل اصغر» داشته باشند و بهترین راه برای شناخت صحیح و پیروی از آنان آگاهی از گفتار و کردارشان است چنانکه از امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «امر ما خط فکری و مقام رهبری ما را احیا کنید، خدا رحمت کند آن کسی را که احیا کننده امر ما باشد، گفته شد چگونه امر شما را احیا کند؟ فرمود: علوم

ما را فرا گیرد سپس آنرا به مردم آموزش دهد، همانا هرگاه مردم بر زیباییهای سخنان ما (محتوای عالی آن) آگاه شوند از ما پیروی خواهند کرد. قال الامام (علیه السلام): «احیوا امرنا رحم الله من احیی امرنا، قیل و کیف یحیی امرکم؟ قال: یتعلم علوما ثم یعلمها الناس فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا». ناگفته نماند که پیروان واقعی اهل بیت (علیهم السلام) و «ثقل اصغر» در حقیقت پیروان قرآن کریم «ثقل اکبر» می باشند زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث متواتر ثقلین فرموده است «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» این دو هیچگاه از یکدیگر جدا نخواهند شد تا روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. و تنها در این صورت است که امت اسلامی از هرگونه انحراف و گمراهی مصون خواهند ماند «لن تضلوا بعدی ابدًا». اکنون که بحمدالله به منظور تجلیل از مقام علمی و عملی ششمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت و شناخت هر چه بهتر نسبت به ابعاد شخصیت والای حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) توسط مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) همایشی در بندرعباس برگزار شده است. در این محفل باشکوه به دو ویژگی از ویژگیها و فضائل بی شمار آن حضرت اشاره می نمایم. ۱. مقام علمی امام صادق (علیه السلام). ۲. التزام عملی آن حضرت به احکام الهی. اگر ما در کتب تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام) دقت کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که در طول تاریخ خلفای جور (بنی امیه و بنی العباس) پیوسته از این دو ویژگی ائمه معصومین (علیهم السلام) در

رنج و عذاب بودند و با توجه به ضعف علمی و عدم تقیید عملی آنان به احکام الهی همیشه در برابر وارثان علم رسول الله (صلی الله علیه و آله) احساس زبونی و حقارت می کردند و نهایت سعی و تلاش خود را مبذول می داشتند که به هر نحو ممکن از مقام علمی و موقعیت اجتماعی ائمه (علیهم السلام) بکاهند. و این نور الهی را خاموش کنند ولی خدای متعال می فرماید. (یریدون لیطفثوا نور الله بأفواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون) می خواهند نور خدا را با دهنهایشان خاموش کنند ولی خدا کامل کننده نور خویش است اگر چه کافران را ناخوش آید. و از آنجا که خود آنان قدرت و توان مقابله و معارضه با ائمه معصومین (علیهم السلام) را نداشتند اشخاصی را و او می داشتند که حتی اگر شده در یک مسأله بر آنان فائق شوند، و یا در ارتکاب یک گناه صغیره نعوذ بالله بر آنان خورده گیرند ولی چه خوش گفت: شاعر شیرین زبان: ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست عرض خود می بری و زحمت ما می داری

مقام علمی امام صادق

پس از آنکه خلیفه عباسی «منصور دوانیقی» امام صادق (علیه السلام) را بالاجبار از مدینه جدش به کوفه و حیره احضار نمود و آن حضرت در شهر کوفه سکونت نمودند، شیفتگان علم و دانش فقهاء، مفسران و محدثان فرصت را غنیمت شمرده و پروانه وار گرداگرد شمع وجود آن حضرت جمع شدند و علوم و معارف الهی را از آن سرچشمه زلال دریافت کردند، هزاران نفر در مسجد کوفه افتخار شاگردی و کسب علم

و حدیث از محضرش را پیدا کردند و همگی «قال الصادق» می گفتند و از این رو مذهب شیعی اثناعشری به «مذهب جعفری» شهرت یافت. خلیفه عباسی از این موضوع سخت برآشفته و با خیال خام خویش خواست به هر نحوی که شده از مقام علمی آن حضرت بکاهد، از ابوحنیفه درخواست نمود مسائل مشکلی را فراهم سازد و در محضر خلیفه آنها را از امام صادق (علیه السلام) بپرسد!! ابوحنیفه چهل مسأله مشکل را در نظر گرفت و طبق دستور پاسخ آنها را از آن حضرت جویا شد امام (علیه السلام) پاسخ تمام آن مسائل را یکی پس از دیگری فرمود و در هر مسأله به آراء و نظریات علمای عراق و فقهای مدینه و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می فرمود، در آن مجلس منصور دوانیقی بسیار شرمنده و پشیمان شد و ابوحنیفه مبهوت گشت، و از آن پس آن حضرت را با عظمت یاد می کرد و می گفت: (امام الحق) و جمله «لولا السنن لهلك النعمان» معروف و مشهور است یعنی اگر دو سال شاگردی و کسب فیض از محضر امام صادق (علیه السلام) نمی بود «نعمان» یعنی ابوحنیفه به هلاکت می رسید و حتی در پاسخ شخصی که از او سؤال کرد: اگر کسی تمام دارائیهای خود را بر امام وقف کند آن اموال را به چه کسی باید تحویل دهد؟ گفت: باید آن اموال را به امام صادق (علیه السلام) بدهد! (البته پس از آنکه از او قول گرفت که این فتوی را به کسی نگوید). و همچنین مأمون عباسی از کثرت و وفور علم و دانش امام (علیه السلام)

رنج می برد لذا به سلیمان مروزی دستور داد از علمای آن سامان دعوت کند و مسائل بسیار مشکلی را آماده سازند و در جمع آن مسائل را از امام (علیه السلام) سؤال کنند آن حضرت به تمام آن سؤالا پاسخ دادند و مأمون و تمام حاضران از سعه صدر و کثرت علوم آن حضرت شگفت زده و مبهوت شدند. مأمون عباسی دستور داد مجلس باشکوه دیگری را آماده سازند و از علما و بزرگان دیگر ملل و ادیان نیز دعوت کنند شاید بتوانند آن حضرت را شکست دهند، ولی امام (علیه السلام) با کمال متانت و بزرگواری هر ملیتی را بر اساس کتاب آسمانی آنان پاسخ دادند، علمای یهود را با خواندن تورات صحیح و تحریف نشده محکوم ساختند و مسیحیان را با خواندن آیاتی از انجیل مجاب ساختند، و دیگر اقلیتها با شنیدن پاسخ صحیح و متقن قانع شدند. و امام (علیه السلام) پیروزمندانه از آن مجلس خارج شدند. امام صادق (علیه السلام) راوی خطبه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منی: مرحوم کلینی به سند خود از یکی از قریشیان مکه روایت می کند که گفت: روزی سفیان ثوری از من خواست که با هم نزد جعفر بن محمد (امام صادق (علیه السلام)) برویم، همراه او به خانه آن حضرت رفتیم، دیدیم آن حضرت بر مرکب خود سوار شده می خواهد به جایی برود. سفیان به او گفت: ای ابوعبدالله برای ما خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد خیف را روایت کن. حضرت فرمود: مرا اکنون رها ساز تا به کارهایم برسم، هنگامی که بازگشتم آن خطبه را برای

تو نقل خواهم کرد. سفیان گفت: شما را به خویشاوندیت با رسول خدا سوگند می‌دهم که خطبه را برای ما بازگو کنی. آن حضرت از مرکب پیاده شد. سفیان گفت: دستور دهید برای من کاغذ و قلم و دوات حاضر کنند تا این حدیث شریف را بنویسم. حضرت قلم و دوات طلبیدند، سپس فرمود بنویس: «بسم الله الرحمن الرحيم خطبه رسول الله في مسجد الخيف...» «خدا درخشنده و شاد سازد آن بنده ای را که سخنان مرا بشنود و آن را خوب فرا گیرد و به دیگران برساند، ای مردم! حاضران به غائبان برسانند پس چه بسا کسی ناقل مطلبی باشد که خودش هنوز خوب آنرا درک نکرده، و چه بسا کسی مطلبی را برای دیگری نقل کند که از خودش بهتر می‌فهمد. سه چیز است که دل هیچ مسلمانی در آن خیانت نمی‌کند: ۱ «اخلاص العمل لله» اخلاص در عمل. ۲ «والنصيحه لأئمة المسلمين» خیرخواهی برای امامان مسلمانان. ۳ «واللزوم لجماعتهم» همگام و همسو بودن با مسلمانان. زیرا دعای آنان فراگیر و همگانی است، مؤمنین برادر و برابرند و قدرت واحدی علیه دیگرانند، تعهد کمترین آنان مورد احترام و قبول همگان است». سفیان ثوری پس از نوشتن خطبه^۲ آنرا بر امام (علیه السلام) عرضه داشت سپس آن حضرت بر مرکب خویش سوار شدند و ما نیز برگشتیم. هنگامی که در وسط راه رسیدیم سفیان به من گفت کمی صبر کن تا من در این حدیث نظر بیفکنم. من گفتم: به خدا سوگند ابو عبدالله (امام صادق (علیه السلام)) چیزی بر گردن تو گذاشت که هیچگاه از عهده آن بیرون نخواهی رفت.

سفیان گفت: آن چه چیزی است؟ گفتم: «سه چیز است که هیچ مسلمانی در آنها خیانت نخواهد کرد: ۱ «اخلاص العمل لله» اخلاص در عمل را می دانیم چیست. ۲ «والنصيحة الأئمة المسلمين» خیرخواهی برای ائمه مسلمین، این امامانی که بر ما واجب است خیرخواه آنان باشیم چه کسانی هستند؟ آیا مقصود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) امثال: معاویه بن ابی سفیان و یزید بن معاویه و مروان بن الحکم و تمام کسانی که در اثر فسق، شهادت آنان را نمی پذیریم، و در نماز به آنان اقتدا نمی کنیم می باشد؟! ۳ «واللزوم لجماعتهم» همراه جماعت مسلمانان باشیم. مقصود آن حضرت کدامین جماعت اسلامی است؟ آیا مقصود گروه «مرجئه» است؟! که معتقدند اگر کسی اصلاً نماز نخواند و روزه نگیرد و غسل جنابت نکند و کعبه را ویران سازد و با مادر خویش زنا کند، باز هم ایمان او همانند ایمان جبرئیل و میکائیل است!!! و یا مقصود آن حضرت گروه «قدریه» است؟ که می گوید: آنچه خدا می خواهد صورت نمی گیرد ولی آنچه را که ابلیس بخواهد تحقق می یابد!!! و یا مقصود آن حضرت گروه «حروریه» و خوارج است؟ که از علی بن ابیطالب بیزار می جویند و گواهی می دهند که آن حضرت نعوذ بالله کافر است. و یا مقصود آن حضرت گروه «جهمیه» است؟ که معتقدند ایمان عبارت است از شناخت خدا و هیچ چیز دیگری نیست. و هر کس تنها خداشناس باشد مؤمن است گرچه به هیچ چیز دیگری ایمان نداشته باشد!!! سفیان گفت: وای بر تو پس آنها چه می گویند؟ گفتم: آنها معتقدند

که علی بن ابی طالب به خدا سوگند آن امامی است که باید خیرخواه او باشیم و مقصود از «لزوم جماعتهم» اهل بیت آن حضرت است. سفیان همین که این مطلب را شنید آن کاغذی را که در آن، خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نوشته بود، پاره پاره کرد و بر زمین ریخت و به من گفت: این مطلب را به کسی مگو.

التزام عملی به احکام الهی

از آنجا که خلفای جور معمولاً افرادی شهوتران و خلافکار بودند، برای کاستن از اعتراضات مردم و در امان ماندن از ناسزاگویی آنها، پیوسته علما و دانشمندانی را مورد لطف و مرحمت خویش قرار می دادند و مناصب حکومتی مناسب و منبر طلابی جهت تدریس در اختیار آنان می گذاشتند تا از طرفداران مکتب جبر باشند. و همچنین از پیروان مکتب «مرجئه» حمایت می کردند، زیرا فقط با داشتن چنین افکاری است که خلافکارهای آنان موجب جلوه می کند، و چنانچه توده مردم چنین گرایشاتی داشته باشند دیگر کسی در ایمان حاکمان تشکیک نخواهد کرد، و بر عملکرد آنان اعتراضی نخواهد داشت. اگر یزید امام حسین (علیه السلام) را به شهادت می رساند و خلفای بنی العباس صدها نفر از سادات حسنی و بنی الزهراء را به زندان می افکنند و شکنجه می دهند و به قتل می رسانند، معذورند چونکه مجبور بوده و هیچگونه اختیاری از خود نداشتند. مهمترین اشکال بر «جبریه» بطلان ثواب و عقاب است زیرا اگر نمازخوان و زناکار هر دو در انجام آن مجبورند و از خود هیچ اراده ای ندارند دیگر معنایی ندارد که یکی مستحق ثواب و دیگری مستحق

عقاب گردد «لبطل الثواب والعقاب» از این رو ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام صادق (علیه السلام) با اینگونه عقاید به شدت مبارزه می کردند و با براهین و ادله عقلی و شرعی صریحاً از «مجبّره و مفوّضه و مرجئه» انتقاد نموده، و اینگونه عقائد انحرافی را نادرست و مخالف با روح اسلام معرفی می کردند و مسلمانان را از گرایش به آن برحذر می داشتند و راه متوسطی را در میان جبر و تفویض نشان داده اند، اینک در اینجا چند نمونه از راهنمائیهای آنان را در این زمینه یادآور می شویم: «قال الراوی قلت لابی عبدالله (علیه السلام) أجیر الله العباد علی المعاصی؟ قال لا. قلت ففوّض الیهم الامر؟ قال لا. قلت فماذا؟ قال لطف من ربك بین ذلک» ۱ مردی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: آیا خدا بندگان را بر گناه وا می دارد؟ (جبر است). فرمود: نه!!! گفتم: کارها را به خودشان واگذار کرده؟ (تفویض است) فرمود: نه!!! گفتم: پس واقعیت چیست؟ فرمود: از طرف پروردگارت لطف و عنایتی بر بندگان می رسد و راهی در میان جبر و تفویض پیموده می شود. ۲ در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «نه جبر است و نه تفویض بلکه مرحله ایست میان این دو. «سئل ابو عبدالله (علیه السلام) عن الجبر والقدر فقال لا جبر ولا قدر ولكن منزله بینهما...» ۳ مرحوم کلینی با سند خود روایت می کند که پس از بازگشت امیرالمؤمنین از جنگ صفین، روزی در مسجد کوفه نشسته بود پیرمردی آمد و برابر آن حضرت زانو زد و عرض کرد یا امیرالمؤمنین بفرماید که

رفتن ما به شام به قضا و قدر الهی بود؟ علی (علیه السلام) در پاسخ فرمود: آری ای پیر مرد از هیچ تپه ای بالا نرفتید و به هیچ درّه ای سرازیر نشدید جز به قضا و قدر الهی. پیر مرد گفت من رنج خود را به حساب خدا می گذارم ای امیرالمؤمنین (یعنی رنج بیهوده بردم نه بهره دنیا داشت و نه اجر اخروی). علی (علیه السلام) فرمود: خاموش باش ای پیر مرد بخدا سوگند خداوند پاداش بزرگی به شما داده است در این بسیج هم در رفتن شما اجر بزرگی داده و هم در اقامت شما در جبهه و هم در برگشتن شما، و در هیچ حالی شما مجبور نبودید و ناچار نبوده اید. پیر مرد گفت: چطور در هیچ حالی مجبور و ناچار نبودیم با اینکه رفتن و ماندن و برگشتن ما همه به قضا و قدر بوده است. حضرت فرمود: تو گمان می کنی که قضای خدا بر بنده حتم است و قدر او قطعی است و از بنده سلب اختیار می کند؟ اگر چنین باشد ثواب و عقاب و امر و نهی و باز داشتن (تهدید از طرف خدا) همه بیهوده گردد و وعده پاداش و وعید کیفر لغو می شود و گنهکار را سرزنشی نشاید و خوش کردار را ستایشی نباید و باید گنهکار را بهتر از نیکوکار مورد تفقد و احسان قرارداد و نیکوکار را به کیفر سزاوارتر دانست (چون که گنهکار رنج گناه برده و نیکوکار لذت فرمانبرداری چشیده) این عقیده هم کیشان بت پرستان و دشمنان خدا و حزب شیطان و قدری مذہبان و مجوسیان این امت اسلامی می

باشد. براستی خدای تبارک و تعالی تکلیف را به اختیار مقرون ساخته و با نهی و تهدید از گناه باز داشته و به کردار اندک ثواب بسیار داده، نافرمانی از او چیره گوی بر او نیست و فرمانبری از وی به زور نباشد و کارها را به مردم تفویض نکرده و آسمانها و زمین و هرچه میان آنهاست بیهوده نیافریده و پیامبران را بیهوده و عبث مبعوث نکرده است، (این پندار کسانی است که کافر شدند و وای بر کافران از آتش دوزخ). «کان امیر المؤمنین (علیه السلام) جالساً بالكوفه بعد منصرفه من صفین اذا أقبل شیخ فجثا بین یدیه، ثم قال له: یا امیر المؤمنین اخبرنا عن مسیرنا الی اهل الشام أبقضاء من الله و قَدَر؟ فقال امیر المؤمنین (علیه السلام) اجل یا شیخ ما علوتم تلعه ولا هبطتم بطن واد الا بقضاء من الله و قَدَر فقال له الشیخ عند الله احتسب عنائی یا امیر المؤمنین. فقال له: مه یا شیخ فوالله لقد عظم الله الاجر فی مسیرکم و أنتم سائرون و فی مقامکم و انتم مقیمون و فی منصرفکم و انتم منصرفون و لم تكونوا فی شیء من حالاکم مکرهین ولا الیه مضطربین و کان بالقضاء مسیرنا فمقلبنا و منصرفنا. فقال له: فتظن انه کان قضاءً حتماً و قَدراً لازماً إنه لو کان كذلك لبطل الثواب والعقاب والامر والنهی والزجر من الله و سقط معنی الوعد والوعید فلم تكن لائمه للمذنب ولا محمده للمحسن ولکان المذنب أولى بالاحسان من المحسن ولکان المحسن أولى بالعقوبه من المذنب تلك مقاله اخوان عبده الأوثان و خصماء الرحمن و حزب الشیطان و قَدَریه هذه الامه و مجوسها، ان الله تبارک و تعالی کلف

تخيراً و نهی تحذیراً و اعطی علی القلیل کثیراً ولم یعص مغلوباً ولم یطع مکرهاً و لم یملک مفوضاً ولم یخلق السموات
والارض و ما بینهما باطلاً ولم یبعث النبیین مبشرین و منذرین عبثاً (ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار) فانشأ
الشیخ یقول: انت الامام الذی نرجوا بطاعته او ضحت من أمرنا ما کان ملتیباً جزاک من ربک بالاحسان احسان یوم النجاه من
الرحمن غفراناً جزاک من ربک بالاحسان احسان یوم النجاه من ربک بالاحسان احسان یوم النجاه من ربک بالاحسان
اکتفا می کنیم: شما یک نفر را فرض کنید که دستش معلول و شل باشد بگونه ای که اصلاً نمی تواند آن را حرکت دهد ولی
دکتر معالج او با نصب یک دستگاه کوچک رایانه ای، او را قادر بر حرکت ارادی دست می نماید و این دکتر با کنترل از راه
دور هرگاه بخواهد این دستگاه را از کار می اندازد. حال اگر این شخص با حرکت اختیاری با همین دست کاری انجام دهد
این حرکت اختیاری از مصادیق «امر بینا الأمرین» است چون این حرکت گرچه اختیاری است ولی مستقلاً به خود این شخص
مستند نیست زیرا متوقف بر خاموش نشدن آن دستگاه رایانه ایست که در اختیار آن دکتر است و او هرگاه بخواهد آن را از
کار متوقف می سازد و در این صورت از این دست هیچ کاری ساخته نیست. (پس تفویض نیست). و از طرف دیگر این
حرکت مستقلاً به دکتر مستند نیست چون که دکتر تنها نیرو به وجود آورده و حرکت با اراده خود شخص صورت گرفته و او
می توانست اصلاً

حرکتی به دستش ندهد و یا (تا زمانی که دکتر دستگاه را خاموش نکرده) به نحو دلخواه خود آنرا حرکت دهد و هر کاری که خواست انجام دهد. (پس جبری در کار نیست). بنابر این «نه جبر است» چونکه این مریض حرکت را با اختیار خود انجام می دهد و «نه تفویض است» چون که اگر از جای دیگر کمک نشود و دستگاه خاموش شود هیچگونه حرکتی در توان او نیست. بلکه «امری است در میان این دو». تمام کارهایی که از ما سر می زند بدین منوال است که از یک طرف با اراده و خواست خودمان است و از طرف دیگر ما نمی توانیم چیزی را اراده کنیم و انجام دهیم مگر آنچه را که خداوند خواسته باشد و مقدمات و شرایط آنرا فراهم نماید. و آیه ی شریفه (و ماتشؤون الا أن یشاءالله انالله کان علیماً حکیماً) همین معنا را دارد، اگر خداوند به ما (حیات و قدرت و عقل و اراده و اعضاء و جوارح سالم) نمی داد کجا می توانستیم کوچکترین کاری را انجام دهیم، و در عین حال چونکه به ما قدرت تشخیص خیر و شر را داده و از ما انجام خیرات را خواسته، ما می توانیم با اختیار خود کار خوب و یا بد را انجام دهیم (انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً). هدایت تکوینی و تشریحی از طرف پروردگار تحقق یافته و انجام عبادت بشکرانه نعمت و یا کفران آن به دست ماست. در منابع اسلامی روایات فراوانی در این زمینه آمده است که ما به همین مقدار بسنده می کنیم. لازم به ذکر است

امام صادق (علیه السلام) در رابطه با خطر «مرجئه» نیز می فرماید: «بادروا ابناءکم الحدیث قبل ان یسبقکم الیهم المرجئه» به فرزندانتان حدیث (معارف الهی) را آموزش دهید پیش از آنکه «مرجئه» بر شما سبقت گیرند (و به آنان عقاید باطل خود را بیاموزند). کوتاه سخن اینکه خلفای جور از طرفی علمای جبریه را تعظیم می کردند و از طرف دیگر نسبت به صاحبان اصلی حکومت اسلامی یعنی ائمه معصومین (علیهم السلام) بغض و کینه خاصی داشتند و آنان را مزاحم تاج و تخت خود می دانستند و مراقب بودند تا شاید از اهل بیت (علیهم السلام) و کسانی که به گواهی قرآن پاک و منزّه می باشند (و طهرهم تطهیرا) کوچکترین خطایی سرزند تا بتوانند با بزرگ جلوه دادن آن از موقعیت اجتماعی و محبوبیت اهل بیت (علیهم السلام) بکاهند!!!. به همین منظور منصور عباسی به بعضی از فرمانده هانش دستور داد به عنوان ختنه فرزندش مجلس اطعام با شکوهی بر پا کند و از امام صادق (علیه السلام) نیز دعوت کند، سپس هنگام صرف غذا جام شراب را حاضر کند تا بدینوسیله بتواند بر آن حضرت خورده گیرد که بر سر سفره ای حضور داشته که در آن شراب بوده است. آن فرمانده همین کار را کرد و هنگامی که یکی از حاضران آب طلبید او قدح شرابی را در میان سفره گذاشت. همین که چشم امام صادق (علیه السلام) به آن ظرف شراب افتاد، برخاست و فرمود: «لعن رسول الله (صلی الله علیه وآله) من حضر مائده یشرب فیها الخمر» رسول خدا (صلی الله علیه وآله) لعن و نفرین کرده کسی را که

بر سر سفره ای که در آن شرابخواری می شود حاضر شود. و بدون آنکه چیزی تناول کند از آن مجلس خارج شد و توطئه منصور عباسی نافرجام ماند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

